

فصلنامه علمی و پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهرا (س)

سال سیزدهم، شماره ۴۶ و ۴۷، تابستان و پاییز ۱۳۸۲

حضور نظامی زنان در صدر اسلام

دکتر سهیلا جلالی کندری*

چکیده

این مقاله به بررسی حضور نظامی زنان مسلمان در صدر اسلام پرداخته است. با بررسی و تحقیق در متون تاریخی، شواهد متعددی از حضور زنان مسلمان در عرصه‌های گوناگون جهاد ارائه شده است. این شواهد تنها محدود به جهاد دفاعی نیست. بر اساس این اسناد تاریخی اثبات می‌شود که سیره‌ی معصومین (ع) و عرف حاکم بر مسلمانان در صدر اسلام با مشارکت اجتماعی زنان در زمینه‌ی نظامی مخالف نبوده است. البته این حضور بیشتر در حوزه‌هایی مانند پشتیبانی و تدارکات، کمک‌های پزشکی و تشویق به مبارزه و پایداری، نمود می‌یابد؛ اما در صورت لزوم، زن مسلمان اسلحه به دست گرفته و رو در رو با دشمن جنگیده است.

کلیدواژه‌ها: اسلام - جهاد - تدارکات جنگ - زن مسلمان.

مقدمه

جامعه‌ی انسانی، فراهم آمده از انسان‌هاست. زنان نیمی از پیکره‌ی جامعه‌ی انسانی را تشکیل می‌دهند. جوامع مختلف انسانی همواره با این پرسش روبه‌رو بوده‌اند که زن تا چه اندازه در جامعه، زمینه‌ی نقش‌آفرینی دارد؟ و زنان تا چه میزان اجازه‌ی شرکت در فعالیت‌های مختلف اجتماعی را دارند؟ و اساساً محدوده‌ی مشارکت اجتماعی^۱ زنان و حضور عینی آنان در جامعه تا کجاست؟ مسلمانان در این باره مواضع گوناگونی دارند. این مواضع را می‌توان چنین تقسیم‌بندی کرد:

- ۱- برخی هرگونه حضور و دخالت زنان در مسائل اجتماعی را حرام می‌شمارند و وظیفه‌ی زنان را محصور به همسری و مادری می‌دانند. این اندیشه در ذهن برخی رسوخ کرده است و در رفتار آنان، بروز می‌نماید. نمونه‌هایی از آن در برخورد با زنان در گوشه و کنار کشور ایران نیز مشاهده می‌شود. گاهی بعضی از این افراد قدرت سیاسی یافتند و این عقاید را به عنوان قانون حکومتی و شرعی به اجرا گذاشتند. نمونه آن حکومت طالبان در افغانستان است.
- ۲- برخی دیگر آن را محدود به موارد معینی می‌کنند و یا بعضی موارد را استثنا می‌نمایند. از جمله حکومت وهابی عربستان که مشارکت زنان را به دو حیطه‌ی تدریس و پزشکی محدود می‌نماید و حضور زنان در موارد دیگر را جایز نمی‌داند، حتی در آن دو مورد نیز جایز نمی‌داند که زنان به مداوای مردان پردازند و یا معلم مردان باشند. در مقابل، برخی معتقدند شرکت زنان در فعالیت‌های مختلف اجتماعی از محدودیت‌های کمتری برخوردار است و اموری مانند قضاوت و ریاست دولت را برای زنان جایز نمی‌دانند،^۲ ایشان جهاد ابتدایی را نیز بر زنان واجب نمی‌دانند.^۱

۱ مشارکت اجتماعی به نوعی حضور در همه‌ی ابعاد زندگی اجتماعی امروز اطلاق می‌شود. به عارت دیگر متراکب به معای دخالت همه حائبه‌ی مردم در فرآیند سیاسی، اقتصادی، اجتماعی... است که زندگی آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. آل بیروم، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه: باقر ساروخانی، ج ۱، تهران، انتشارات کیهان، زمستان ۶۶، ص ۲۵۷.

۲ این رأی در بین فقهای شیعه مشهور است. مانند شیخ طوسی (در مبسوط و حلاوت) علامه حلی (در صرعه المتعلمین و ارشاد الادهان) و محقق حلی (در شرائع الاسلام)، شهید اول (در لمعه) و... [آراء فقهای امامیه را در کتاب "سلسله البایع الفقهیه"، ج ۱۱ و ج ۳۳ ببینید] مفسران متأخر نیز اکثراً بر این نظریه و در تفسیر آیه ۳۴ سوره ساء به این نظر اشاره کرده‌اند. از جمله علامه طباطبایی و آیت الله جوادی آملی، از فقهای اهل سنت نیز شافعی و مالکی و حنبلی قضاوت زن را در هیچ مورد جایز نمی‌دانند.

۳- گروه دیگر معتقدند اسلام در مسئله مشارکت اجتماعی نگاه جنسیتی ندارد، بلکه ورود در این عرصه با رعایت موازین شرعی، برای زنان نیز همانند مردان جایز است.^۲

این مقاله درصدد است دیدگاه اسلام را در مورد ورود زنان به یکی از عرصه‌های مشارکت اجتماعی یعنی حضور نظامی، بررسی نماید و با دقت در کتاب‌های تاریخی و سیره، حضور زنان مسلمان را در سده‌ی نخست اسلام مورد بررسی قرار دهد، زمینه‌های مختلف حضور نظامی زنان را مشخص کرده و چگونگی برخورد معصومین (سلام الله علیهم) و مسلمانان صدر اسلام را با این مسئله روشن نماید، و در نهایت قضاوت در این باره را به خواننده واگذارد.

* * *

مبارزه علیه دشمنان و حفاظت از خانه، خانواده و وطن، و دفاع از عقیده امری ذاتی و فطری است که در نهاد بشر به ودیعه نهاده شده است. هیچ انسان غیرتمندی به ظلم و ستم تن در نمی‌دهد و در برابر تجاوز بیگانه به حریم معتقدات، دارایی و زندگی بی تفاوت نخواهد ماند و با هر وسیله به مبارزه برخاسته و از خود دفاع می‌کند. روشن است که این مبارزه و دفاع هرگاه با عقیده‌ی صحیح و روشن همراه شود، دارای ارزشی والاتر خواهد بود و مجاهد را به کمال رهنمون

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

ولی ابو حنیفه قضاوت او را در مواردی که شهادت زن پذیرفته است، جایز می‌شمرد؛ اما ابو جریر طبری قضاوت زن را در همه موارد جایز می‌داند. با این که در مسأله قضاوت احیاناً اختلاف نظر در بین فقهای اهل سنت وجود دارد ولی در مسأله ریاست دولت اختلاف ندارند و آن را برای زن جایز نمی‌شمردند. (نگاه کنید به: «فقه اسلامی و ادلته» اثر و هبه زحیلی و «مسائل حرجه فی فقه المرأه» اثر محمد مهدی شمس‌الدین)

۱. این موضوع محور اصلی این مقاله است. در این باره آراء فقها ذکر خواهد شد.

۲. برخی از محققین و اندیشمندان معاصر مسلمان به این نظر معتقدند.

محمد مهدی شمس‌الدین فقیه شیعی لبنانی در کتاب چهار جلدی خود به نام «مسائل حرجه فی فقه المرأه» به تفصیل به این مسئله پرداخته و ادله‌ی مخالفان را نقد کرده است. محمد حسین فضل الله نیز که از فقیهان شیعی لبنانی است در تفسیر «من وحی القرآن» و نیز در سخنرانی‌های خود، این نظر را تبیین کرده است. از فقهای معاصر ایرانی آیت الله صانعی و سید محمد موسوی بجنوردی بر این اعتقادند. (نظرات ایشان در سخنرانی‌ها و جلسات درس، تبیین شده است.)

می‌سازد. در اسلام جهاد کنندگان دارای ارزش ویژه‌اند و آیات بسیاری در سنن ایشان آمده است.

«ان الله اشترى من المؤمنين انفسهم و اموالهم بان لهم الجنة يقاتلون في سبيل الله فيقتلون و يقتلون وعداً عليه حقاً في التوريه و الانجيل و القرآن و من اوفى بعهده من الله فاستبشروا ببيعكم الذي بايعتم به ذلك هو الفوز العظيم» توبه: ۱۱۱.

ترجمه: «خدا از مؤمنان جان‌ها و مال‌هایشان را خریده تا بهشت از آن ایشان باشد. در راه خدا جنگ می‌کنند، چه بکشند یا کشته شوند، وعده‌ای که خدا در تورات و انجیل و قرآن داده است به حق بر عهده اوست. و چه کسی بهتر از خدا به عهد خود وفا خواهد کرد؟ بدین خرید و فروخت که کرده‌اید، شاد باشید که کامیابی برگی است.»

«فصل الله المجاهدين باموالهم و انفسهم على القاعدین درجه و كلاً و عدالله الحسنى و فضل الله المجاهدين على القاعدین اجرا عظيماً. درجات منه و مغفرة و رحمة...» نساء: ۹۵ و ۹۶.

ترجمه: «خدا کسانی را که به مال و جان خویش جهاد می‌کنند، بر آنان که از جنگ سر می‌نابند، به درستی برتری داده است و خدا همه را وعده‌های نیکو داده است و جهاد کننده‌ها را بر آنها که از جهاد سر می‌نابند، به مزدی بزرگ برتری نهاده است. درجاتی از جانب خدا و آموزش و رحمتی...»

این آیات خطاب به انسان به مفهوم عام است.^۱ چنان‌که آیه «کتب علیکم القتال»^۲ دلالت بر وجوب جهاد بر همگان دارد،^۳ اما وجوب آن، وجوب کفایی است.^۴

۱. همچنین نگاه کنید به: صف: ۴، ۱۰، ۱۱، نساء: ۷۴-۷۷، آل عمران: ۱۴۲، قتال: ۳۱ و...

۲. بقره: ۲۱۶، نیز توحه کید به آیه «و قاتلوهم حتی لا تکون فتیه و یکون اللدس کله لله» (انفال: ۳۹).

۳. صابری و افعال مذکر دلالت بر اختصاص آن به مردان ندارد، مگر آن که دلیلی بر این مسأله در آیه وجود داشته باشد. چنان که خطاب آیه «کتب علیکم الصیام» را نیز عام می‌داند و به استناد آن روزه را بر همه مسلمانان واجب می‌داند.

علی (ع) با استدلال به آیه «کتب علیکم القتال» جهاد را بر همه مسلمانان واجب می‌داند. عبدالعزیز س البراح الطرابلسی، المهذب، چاپ شده در مجموعه: «سلسله الیابیع الفقهیه»، جلد ۹، گردآوری: علی اصغر مروارید، ط ۱، بیروت، موسسه فقه الشیعه / الدار الاسلامیه، ۱۴۱۰ ق / ۱۹۳۰ م، ص ۷۷.

امام علی (ع) جهاد را دری از درهای بهشت می‌شمردند که خدا آن را تنها بر روی خواصِ دوستان خود می‌گشاید و بر مردمی که از جهاد روی برگردانند، لباسِ ذلّت می‌پوشاند.^۲

البته بدیهی است که جهاد کردن، مستلزم قدرت و توانمندی است و بر کسی واجب است که توان جسمی لازم را داشته باشد. به همین دلیل در آیاتی تصریح شده است که جهاد بر ضعیفان، نایبانیان، زمین‌گیرها و بیماران واجب نیست.^۳

فقها جهاد را به دو نوع ابتدایی و دفاعی^۴ تقسیم کرده‌اند و جهاد ابتدایی را تنها بر مردان آزاد واجب کفایی می‌دانند. زنان، کودکان، پیرمردان، دیوانگان و مریضان از وجوب حکم جهاد ابتدایی استثا شده‌اند.^۵

زنان به سبب آن که نسبت به مردان توان جسمی کمتری دارند و احياناً در مواقعی وظیفه‌ی حمل و یا نگهداری فرزندان را بر عهده دارند، مشمول حکم جهاد ابتدایی نشده‌اند؛ اما از آنجا که

۱. ابو جعفر محمد بن الحسن بن علی الطوسی، النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی، چاپ شده در مجموعه «سلسله الینابیع الفقهیه»، ح ۹، پیشین، ص ۴۹؛ ابن البراج الطرابلسی، المهذب، همان، ص ۷۷؛ سعید بن عبدالله الراوندی، فقه القرآن، در مجموعه «سلسله الینابیع الفقهیه»، ح ۹، پیشین، ص ۱۱۱؛ محمد بن جمال الدین مکی العاملی (الشهید الاول)، اللعه دمشقیه، در مجموعه «سلسله الینابیع الفقهیه»، ح ۹، پیشین، ص ۲۷۳؛ ابو زکریا یحیی بن احمد بن یحیی بن الحسن بن سعید الهذلی، الجامع للشرائع. در مجموعه «سلسله الینابیع الفقهیه»، ح ۹، پیشین، ص ۲۳۳؛ ابوالقاسم نجم‌الدین جعفر بن الحسن بن ابی زکریا یحیی بن الحسن بن سعید الهذلی (المحقق الحلّی)، شرائع الاسلام، در مجموعه «سلسله الینابیع الفقهیه»، ح ۹، پیشین، ص ۲۰۱.

۲. نهج البلاغه، ترجمه فیض الاسلام، خطه ۲۷، ص ۹۴. نک: فتح: ۱۸؛ توبه: ۹۰ و ۹۱.

۳. جهاد ابتدایی آن است که مسلمانان به منظور دعوت کفار و مشرکان به اسلام، یکتاپرسی و عدالت و یا جلوگیری از غص پیمان اهل دمه یا طغیان شورشیان مسلح بر امام مسلمین، نیروی نظامی به مناطق آن گسیل دارند. جهاد دفاعی مبارزه با دشمنان و مهاجمان است نه منظور دفاع از حوره‌ی اسلام و سرزمین‌های اسلامی و دفاع از جان و مال و حیثیت مسلمانان.

۴. محمد بن الحسن بن علی الطوسی، النهایه، پیشین، ح ۹، ص ۴۹؛ محمد بن الحسن بن علی الطوسی، الحمل و العنود، در مجموعه «سلسله الینابیع الفقهیه»، پیشین، ح ۹، ص ۶۱؛ ابن البراج، پیشین، ح ۹، ص ۷۸ و ۷۹؛ المحقق الحلّی، شرائع الاسلام، پیشین، ح ۹، ص ۲۰۱؛ الشهید الاول، الدروس الشرعیه، پیشین، ج ۳۱، ص ۲۷۳؛ ابو منصور محمد بن ادریس محمد الععلی الحلّی، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، در مجموعه «سلسله الینابیع الفقهیه»، پیشین، ح ۹، ص ۱۷۵؛ العلامه الحلّی، قواعد الاحکام فی مسائل الحلال و الحرام، در مجموعه «سلسله الینابیع الفقهیه»، پیشین، ح ۹، ص ۲۴۲، یحیی بن احمد بن یحیی بن الحسن بن سعید الهذلی، پیشین، ح ۹، ص ۲۳۳.

دفاع از عقیده، ناموس، زندگی و دارایی، عملی منطقی و مطابق با عقل و فطرت است، جهاد دفاعی بر زنان واجب است.

برخی از فقها معتقدند جهاد ابتدایی در واقع نوعی جهاد دفاعی است. ایشان در تبیین نظر خود می‌نویسند، در اسلام هدف از جهاد ابتدایی کشورگشایی و سلطه‌جویی بر مردم نیست، بلکه هدف از آن دفاع از حقوق فطری ملت‌هایی است که توسط قدرت‌های مبتنی بر کفر و شرک از خداپرستی، توحید و عدالت محروم شده‌اند.^۱

امام باقر (ع) نیز هدف از جهاد را همین مسئله می‌داند، ایشان می‌فرمایند:

«نخستین هدف جهاد فراخواندن مردم به اطاعت خدا به جای اطاعت سایر بندگان، پرستش خداوند به جای پرستش سایر بندگان و ولایت خدا به جای ولایت و حکومت سایر بندگان است... جهاد برای این نیست که مردم را از اطاعت بنده‌ای به اطاعت بنده‌ای دیگر همانند وی بکشاند.»^۲

خداوند نیز در سوره نساء می‌فرماید:

«و مالکم لاتقاتلون فی سبیل الله و المستضعفین من الرجال و النساء و الولدان الذین یقولون ربنا اخرجنا من هذه القرية الظالم اهلهما و اجعل لنا من لدنک ولیاً و اجعل لنا من لدنک نصیراً (آیه ۷۵).»

ترجمه: «چرا در راه خدا و به خاطر مردان و زنان و کودکان ناتوانی که می‌گویند: ای پروردگار ما، ما را از این قریه ستمکاران بیرون آر و از جانب خود یار و مددکاری قرار ده، نمی‌جنگید.»

۱. حسینعلی منتظری، دراسات فی ولایه فقیه و فقه الدوله الاسلامیه، ج ۱، ط ۲، قم، المرکز العالمی للدراسات الاسلامیه، ۱۴۰۹ ق، ص ۱۱۵.

۲. محمد بن الحسن بن الحر العاملی، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، ح ۱۵، ط ۱، بیروت، موسسه آل البیت لاحیاء التراث، ۱۴۱۳ ق / ۱۹۹۳ م، باب ۱ از ابواب جهاد العدو، ص ۱۲، ح ۱۹۹۰۸.

در این آیه شریفه خداوند مردم را صریحاً به دلیل کنار گذاشتن جهاد و مبارزه، مورد نکوهش قرار داده و تصریح می‌کند دفاع از افراد ناتوان و مستضعف چیزی است که در ژرفای وجود و فطرت انسان قرار داده شده است.^۱

بنابراین نظر، جهاد ابتدایی نیز به این دلیل که در واقع نوعی جهاد دفاعی است، بر زنان واجب کفائی خواهد بود.

نتیجه آن که، هیچ یک از فقها جهاد را بر زنان حرام ندانسته‌اند، بلکه با تفصیلی که برای انواع جهاد معتقدند، بین وجوب یا اباحه‌ی آن اختلاف نظر دارند.

البته بدیهی است که این اباحه نباید با واجبات دیگری مانند حقوق شوهر و یا عدم ترتب مفسده بر آن، در تضاد باشد. عرف مسلمانان صدر اسلام نیز بر همین برداشت از دین، صحه می‌گذارد؛ زیرا شواهد بسیاری بر شرکت زنان مسلمان در غزوه‌ها و سریه‌ها در سده‌ی نخست اسلام وجود دارد. این حضور انواع گوناگونی دارد.

۱- تشویق به مبارزه

یاری مبارزان، تنها به سلاح برگرفتن و مبارزه‌ی رودررو محدود نمی‌شود، بلکه تشویق دیگران به جنگیدن و ایجاد روحیه‌ی سلحشوری و تقویت روحی مبارزان نیز در پیروزی بسیار مؤثر است. از این رو شخص رسول الله (ص) موظف به تحریض و تشویق مسلمانان به جهاد شده‌اند.

«یا ایها النبى حرض المؤمنین على القتال...» (انفال: ۶۵)^۲

ترجمه: «ای پیامبر مؤمنان را به جهاد تشویق کن...»

این کار در واقع جهاد به شیوه‌ی غیرمستقیم است که نوعی از جهاد با زبان شمرده می‌شود.^۳

۱. حسینعلی منتظری، پیشین، ج ۱، ص ۱۱۶.

۲. و نیز خداوند می‌فرماید: فقاتل فی سبیل الله لا تکلف الأنفسک و حرض المؤمنین. (نساء: ۸۴)

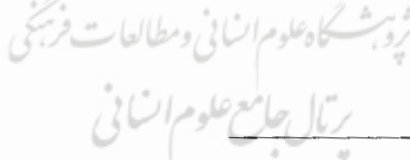
۳. عبدالکریم زیدان، المفصل فی احکام المراه و البیت المسلم فی الشریعه الاسلامیه، ج ۴، ط ۲، بیروت، موسسه الرساله: ۱۴۱۷

شواهد تاریخی نشانگر آن است که زنان مسلمان به خوبی در این صحنه ایفای نقش نمودند. در جنگ اُحُد هنگامی که کار بر مسلمانان سخت و آثار شکست ظاهر شد، بسیاری از مردان از صحنه جنگ گریختند. در این هنگام «صفیّه» عمه‌ی رسول خدا (ص) و «امّ ایمن» به صحنه‌ی نبرد شتافتند. این دو فراریان را سرزنش می‌کردند و با گفتن سخنانی آنان را به مبارزه تشویق می‌نمودند.^۱

در غزوه‌ی حُنین نیز هنگامی که آثار هزیمت مسلمانان پدیدار گشت، تعدادی از مردان از میدان گریختند، چنان‌که «امّ الحارث الانصاریّه» عمر بن خطاب را در حال فرار دید و به او گفت: این کار چیست (که انجام می‌دهی)؟ عمر در توجیه کار ناپسند خود گفت: قضا و قدر الهی است. اما «امّ حارث» مانع فرار شوهر خود شد و او را به مبارزه و پایداری تشویق کرد^۲ و خود نیز به مبارزه پرداخت.^۳

«امّ عماره» نیز که برای کمک‌رسانی به جبهه آمده بود، بر فراریان فریاد بر می‌آورد و می‌گفت: «آیه عاده هذه! مالکم و للفرار».^۴

در جنگ‌هایی که پس از وفات پیامبر رخ داد، شواهدی وجود دارد که حضور زنان را در این بُعد از حضور نظامی، تأیید می‌نماید. از جمله «الخنساء تماضر بنت عمرو بن الشرید» در قادسیه به همراه چهار پسر خود شرکت داشت و آنان را به جهاد و پایداری تشویق می‌کرد.^۵



۱. ابو عبدالله بن عمر الواقدی، المغازی، ج ۱، تحقیق: مارسدن جونسن، ط ۲، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۹ ق.
۲. ص ۲۷۸ و ۲۸۸؛ نیز در مورد امّ ایمن بنگرید به: محمد بن سعد، الطبقات الکبری، ج ۸، بیروت، دار صادر، ۱۳۸۸ق، ص ۲۲۴؛ امّ ایمن بر سر فراریان خاک می‌پاشید و آنان را تحقیر می‌کرد و می‌گفت: «هاک المغزل فاعزل نه وهلم سمک» (المغازی، ج ۱، ص ۲۷۸)؛ در مورد صفیّه نیز بنگرید به: ابن حجر، پیشین، ج ۸، ص ۱۷۹، رقم ۶۵۱.
۳. ابو عبدالله محمد بن عمر واقدی، همان، ج ۳، ص ۹۰۴.
۴. ابو عمر یوسف بن عبدالله بن عدالبر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، ج ۴، تحقیق: علی محمد الجاوی، ط ۱، بیروت، دارالجلیل، ۱۴۱۲ ق / ۱۹۹۲ م، ص ۱۹۲۸، رقم ۴۱۳۳.
۵. ابو عبدالله محمد بن عمر الواقدی، المغازی، پیشین، ج ۳، ص ۹۰۳.
۶. ابن عدالبر، پیشین، ج ۴، ص ۱۸۲۸، رقم ۳۳۱۷.

در جنگ یرموک ابتدا میمنه سپاه مسلمانان شکست خورد و آنان عقب‌نشینی کردند. زنان مسلمان با خواندن شعرهای حماسی، مردان را به ادامه‌ی مبارزه تشویق کردند و حتی فراریان و مرکب آنان را با سنگ و چوب‌های خیمه زدند.^۱

زنان پیرو ولایت علی (ع) نیز از این سیره پیروی می‌کردند. «ام‌الخیر بنت الحریش الباریقه» در جنگ صفین در حالی که بر شتر سوار بود و تازیانه در دست داشت، سخنرانی نمود و با سخنان خود روح شجاعت و حماسه‌آفرینی را در سربازان علی (ع) تقویت کرد. تأثیر این کار به حدی بود که معاویه طعم تلخ این سخنان را تا سال‌ها بعد فراموش نکرد.^۲ در صفین ام‌الخیر تنها نبود بلکه «بکباره الهلالیه»،^۳ «عکرشه بنت الاطرش»^۴ «زرقا بنت عدی بن غالب الکوفیه»،^۵ «سوده الهمدانیه»^۶ و... نیز با سخنان خود مردان را ترغیب به یاری حق و مبارزه با معاویه نمودند.

به این ترتیب می‌توان گفت برخی از زنان مسلمان در صدر اسلام به تشویق مبارزان و جهادکنندگان می‌پرداختند و از آنجا که این کار در حضور پیامبر (ص) و یا علی (ع) نیز انجام گرفته است و ایشان مانع آن نشدند، پس این کار غیر شرعی نبوده است. گذشته از آن مسلمانان نیز این کار را برای زنان حرام نمی‌شمردند و اقدام ایشان را غیر شرعی نمی‌دانستند، زیرا در غیر این صورت به طور قطع برای توجیه فرار و یا کوتاهی کردن خود در امر جهاد، در پاسخ به سخنان این زنان، آنان را از انجام این کار غیر شرعی منع می‌کردند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. از جمله این زنان، «عفیره بنت غفاره»، «خوله بنت ثعلبه» و «خوله بنت الازور» هستند. ابو عبدالله محمد بن عمر الواقدی، فتوح الشام، ج ۱، دارالجمیل، بی‌تا، ص ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۶، ۲۰۷ و ۲۱۲.

۲. احمد بن محمد بن عبدربه، العقد الفرید، ج ۱، تحقیق: مفید محمد قمیحه، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۴ ق، ص ۳۵۴-۳۵۶.

۳. همان، ص ۳۴۶ و ۳۴۷.

۴. همان، ص ۳۵۱ و ۳۵۲.

۵. همان، ص ۳۴۷ - ۳۴۹.

۶. همان، ص ۳۴۴ - ۳۴۶.

۲- پشتیبانی و تدارکات

نوع دیگری از موارد حضور نظامی زنان مسلمان، پشتیبانی رزمندگان در پشت جبهه بوده است، انجام کارهایی مانند آب دادن به رزمندگان، تهیه غذا، نگهداری و جمع‌آوری تیرها و دیگر سلاح‌ها که در صحنه‌ی نبرد پراکنده شده بود، کمک به مجروحان و درمان موقت آنان، انتقال مجروحان و شهدا به شهر و... به نمونه‌هایی از این موارد اشاره می‌کنیم:

«امّ سلیم بنت ملحان» و «عایشه» دختر ابوبکر در جنگ اُحُد، مشک‌های آب را بر پشت خود حمل کرده و به رزمندگان می‌رساندند.^۱ «امّ سلیم» در خیبر نیز جهت تدارکات جنگ و خدمات پشتیبانی حضور داشت.^۲

«امّ سلیط» در اُحُد شرکت داشت. او مشک‌های آب را به منظور آب‌رسانی به رزمندگان حمل می‌کرد و سوراخ مشک‌هایی را که بر اثر اصابت تیر سوراخ شده بود، می‌دوخت.^۳

«فاطمه زهرا (س)» نیز در احد حضور داشتند و به جهادکنندگان آب و غذا می‌رساندند و مجروحان را مداوا می‌کردند. ایشان با کمک علی (ع) جراحات رسول خدا (ص) را درمان کردند.^۴

۱. محمد بن عمر الواقدی، المغازی، پیشین، ج ۱، ص ۲۴۹؛ محمد بن اسماعیل البخاری، الجامع الصحیح، ج ۲، شرح: محدّ الدین الخطیب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی‌تا، کتاب الجهاد و السیر، باب ۶۵ (باب عرو النساء و قتلهن مع الرجال)، ص ۳۲۶، ح ۲۸۸۰؛ مسلم بن الحجاج، الجامع الصحیح، ج ۵، بیروت، دارالمعرفه، بی‌تا، کتاب الجهاد و السیر، باب العرو النساء، مع الرجال، ص ۱۹۶، ۱۹۷.

۲. محمد بن عمر الواقدی، المغازی، پیشین، ج ۲، ص ۶۸۵.

۳. محمد بن اسماعیل البخاری، پیشین، ج ۲، کتاب الجهاد و السیر، باب ۶۶ (باب حمل النساء القرب الی الناس فی الفرو)، ص ۳۲۶، ح ۲۸۸۱؛ همان، ج ۳، کتاب المغازی، باب ۲۳، ح ۴۰۷۱؛ ابن عبد البر، پیشین، ج ۴، ص ۱۹۴۰، رقم ۴۱۶۱؛ ابن حجر، پیشین ج ۸، ص ۲۴۲، رقم ۱۳۰۸.

۴. محمد بن اسماعیل البخاری، همان، ج ۳، کتاب المغازی، باب ۲۵ (باب ما اصاب السبی من الحراح بوم اُحُد)، ص ۱۰۹، ح ۴۰۷۵؛ مسلم بن الحجاج، پیشین، ج ۵، کتاب الجهاد و السیر، باب غروه احد، ص ۱۷۸؛ ابن الاثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۱، تحقیق مکتب التراث، ط ۴، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۴ ق / ۱۹۹۴ م، ص ۵۵۴؛ ابو عبدالله محمد بن عمر الواقدی، المغازی، پیشین، ج ۱، ص ۲۴۹ - ۲۵۰.

«حمنه بنت جحش» نیز در این جنگ به تشنگان آب می‌رساند و مجروحان را مداوا می‌کرد.^۱
او در خیبر نیز حضور داشت.^۲

«امّ عطیه الانصاریّه» در جنگ‌های زیادی همراه رسول (ص) بود و به مداوای بیماران و مجروحان می‌پرداخت.^۳

«برکه بنت ثعلبه بن عمرو الحبشیه» معروف به «امّ ایمن» در غزوه‌های احد، حنین، خیبر و مته مجاهدان را همراهی و یاری کرد.^۴

«السمیرا بنت قیس» از زنان بنی‌دینار بود که برای کمک‌رسانی در صحنه‌های جنگ در احد حضور پیدا کرد. او خود پیکر دو فرزند شهیدش را به مدینه بازگرداند.^۵

«الرّبیع بنت معوذّه» در بسیاری از غزوه‌ها شرکت داشت و به کارهای مختلف می‌پرداخت. از جمله آن که به رزمندگان آب می‌داد، مجروحان را مداوا می‌کرد و حتی مجروحان و شهدا را به مدینه منتقل می‌کرد.^۶

«امّ زیاد الاشجعیه» به همراه گروهی از زنان برای همراهی رسول الله (ص) در غزوه خیبر آماده حرکت شدند. وقتی خبر به حضرت رسید، از آنان پرسیدند: به اجازه چه کسی آماده شده‌اید؟ گفتند:

«خرجنا و معنا دواء، نداوی الجرحی و نناول السهام و تسقى السویق و نغزل الشعر و

نعین فی سبیل الله»

۱. ابو عبدالله محمد بن عمر الواقدی، همان، ص ۲۴۹ و ۲۹۲.

۲. عمر رضا کحاله، اعلام النساء، ج ۱، ط ۹، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۹۸۲ م، ص ۲۹۶.

۳. ابن عبدالبر، پیشین، ج ۴، ص ۱۹۴۷، رقم ۴۱۸۷؛ ابن حجر، پیشین، ص ۲۵۹، رقم ۱۴۰۸.

۴. ابو عبدالله محمد بن عمر الواقدی، پیشین، ج ۸، (در جنگ احد)، ج ۱، ص ۲۴۱، ۲۴۹، ۲۵۰، (در مورد حنک خیبر)، ج ۲، ص ۶۸۵؛ محمد بن سعد، پیشین، ج ۸، ص ۲۲۴؛ ابن الاثیر، الكامل فی التاریخ، پیشین، ج ۱، ص ۵۵۶؛ شمس الدین الذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۲، ط ۴، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۶ ق / ۱۹۸۶ م، ص ۲۲۴.

۵. ابو عبدالله محمد بن عمر الواقدی، پیشین، ج ۱، ص ۲۹۲؛ نیز نک: ابن حجر، پیشین، ج ۸، ص ۷۹ و ۸۰، رقم ۴۱۳.

۶. محمد بن اسماعیل البخاری، پیشین، ج ۲، کتاب الجهاد و السیر، باب ۶۸ (باب ردّ النساء الجرحی و القتلی)، ص ۳۲۷، ح ۲۸۸۳؛ همان باب ۶۷ (باب مداوا النساء الجرحی فی الغزو)، ص ۳۲۷، ح ۲۸۸۳؛ ابن حجر العسقلانی، پیشین، ج ۸، ص ۷۹، رقم ۴۱۳؛ عزالدین ابوالحسن علی بن ابی‌الکرم ابن الاثیر، اسدالغابه، ج ۵، مصر، جمیعہ المعارف المصریہ، بی‌تا، ص ۴۵۲.

ترجمه: «خارج شدیم [در حالی که] دارو به همراه داریم تا مجروحان را مداوا کنیم و تیرها را بیاوریم و خمیر [برای نان] درست کنیم و طناب بیافیم و در راه خدا کمک کنیم.»

رسول الله (ص) به آنان اجازه داد همراه سپاه حرکت کنند.^۱ از سخنان «امّ زیاد» در می‌یابیم که کمک‌های زنان در جبهه‌های نبرد در زمینه‌های گوناگونی بوده است و آنان آمادگی داشتند به هر گونه که می‌توانند به استقرار حق و دین خداوند کمک نمایند.

برخی زنان پزشک و پرستار حرفه‌ای نیز در جنگ‌ها شرکت داشتند. «رفیده الاسلامیه» در زمان خود از مشهورترین زنان طیب بود. او در بسیاری از غزوات شرکت می‌کرد و به درمان زخمیان می‌پرداخت. در جنگ خندق رسول الله (ص) خیمه‌ای در نزدیکی مسجد به او اختصاص دادند و دستور دادند مجروحان را به خیمه او ببرند.^۲

«کعبه بنت سعد الاسلامیه» نیز از معدود طیبیان در آن دوران بود. او در خیبر نیز حضور داشت.^۳ حتی بارداری، مانع شرکت زنان در جنگ‌ها و کمک‌رسانی نبود. چنان‌که «امّ سلیم» در حالی که باردار بود، در حنین شرکت کرد.^۴ در کتاب‌های تاریخی به نام زنانی اشاره شده است که در

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱. ابن حجر، همان، ص ۲۳۵، رقم ۱۲۶۹؛ مشابه این سخنان در مغازی از «امیه بنت قیس بن ابی الصلت» و «امّ سان همسر حنظل» نقل شده است. در نقل از امیه آمده است که می‌گوید: «نعین المسلمین بما استطعنا» تا آن‌که او نوحه‌ای بیس بود. رسول (ص) به او اجازه داد برای یاری رزمندگان به همراه سپاه حرکت کند. امیه در راه برای اولین بار حیض شد. معاری، ج ۲، ص ۶۸۵ تا ۶۸۷. ابن سعد، پیشین، ج ۸، ص ۲۹۳. در مورد امّ زیاد نیز نگاه کنید به: علاء‌الدین المتقی بن حسام الدین المدنی. کثر العسال فی سنن الاقوال و الافعال، ج ۴، تصحیح: الشیخ صفوه السقا، بیروت، موسسه الرساله، ۱۴۰۹ ق، ۱۹۸۹ م، ص ۵۲۸ و ۵۳۹، حدیث ۱۱۵۸۸.

۲. ابن حجر، همان، ص ۸۱ رقم ۴۲۲؛ در مغازی (ج ۲، ص ۵۱۰) نام او را (کعبه) بنت کرده است. البته در باورقی عسار کتاب به نقل از سیره ابن اسحاق به نام «رفیده» اشاره شده است. بیزک: ابن عبدالبر، پیشین، ج ۴، ص ۱۸۳۸، رقم ۳۲۴۰.

۳. ابن عبد البر، همان، ص ۱۹۰۷، رقم ۴۰۷۹؛ ابن حجر، همان، ص ۱۷۶، رقم ۹۲۴؛ ابو عبدالله محمد بن عمر الواقدی، المعازی، پیشین، ج ۲، ص ۵۱۰ و ۶۸۵.

۴. ابو عبدالله محمد بن عمر الواقدی، همان، ج ۳، ص ۹۰۳.

غزوه‌ها وضع حمل نمودند. مانند همسر «عاصم بن عدی» که در خیبر «سهله» را به دنیا آورد.^۱ همسر «عبدالله بن انیس» نیز در جنگ خیبر وضع حمل نمود.^۲

زنان تابعی نیز مانند زنان صحابی در جبهه‌های نبرد شرکت کرده و جهاد کنندگان را یاری می‌کردند. از جمله می‌توان از «خوله بنت الازور الکندیه»،^۳ «غزاله الحروریه»،^۴ «ام حکیم بنت حکیم»^۵ و «سلمی بنت خصفه التیمییه»^۶ نام برد.

۳- مبارزه رو در رو با دشمن

نمونه‌هایی که در عناوین گذشته آمد، نشان می‌دهد که زنان به منظور یاری‌رسانی به رزمندگان در جبهه‌های نبرد حضور داشتند. منطقی است که احتمال دهیم برخی از آنان حداقل برای دفاع از خود، سلاح حمل می‌کردند، چنان‌که نقل شده است که «ام سلیم بنت ملحان» هنگام شرکت در حنین با خود خنجر داشت. هنگامی که این مسئله به اطلاع رسول الله (ص) رسانده شد، ایشان از او در مورد علت حمل سلاح سؤال کردند و ام سلیم پاسخ داد: «آن را همراه دارم تا اگر مشرکی به من نزدیک شد، شکمش را بدرم.»^۷

۱. همان، ج ۲، ص ۶۸۵.

۲. همان، ص ۶۸۶.

۳. ابو عبدالله محمد بن عمر الواقدی، فتوح الشام، پیشین، ج ۱، ص ۲۱۷ و ۲۱۸؛ عمر رضا کحاله، پیشین، ج ۲، ص ۳۴۲-۳۴۳.

۴. ابن الاثیر، الکامل فی التاریخ، پیشین، ج ۳، ص ۱۲۰ - ۱۲۲. او در جنگ همسرش با حجاج بن یوسف ثقفی. در سال ۷۷ هجری قمری شهید شد.

۵. ابو عبدالله محمد بن عمر الواقدی، فتوح الشام، پیشین، ج ۱، ص ۲۱۷ تا ۲۱۸؛ ابن حجر، پیشین، ج ۸، ص ۲۲۵، رقم ۱۲۲۱.

۶. او در قادیسه شرکت داشت، ابن الاثیر، الکامل فی التاریخ، پیشین، ج ۲، ص ۹۸ و ۱۱۲ تا ۱۱۵؛ ابن حجر، همان، ص ۱۱۰، رقم ۵۵۷. (در این کتاب نام او سلمی بنت حفصه ثبت شده است)؛ خیرالدین الزرکلی، الاعلام، ج ۳، ص ۸، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۹۸۹ م، ص ۱۱۴.

۷. عبدالملک ابن هشام، السیره النبویه، ج ۴، تحقیق: مصطفی السقا و ابراهیم الأبیاری و...، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۵ ق / ۱۹۹۵ م. ص ۹۶ و ۹۷؛ ابن سعد، پیشین، ج ۸، ص ۴۲۵؛ نیز نگاه کنید به: مسلم بن الحجاج، پیشین، ج ۵، کتاب الجهاد و السیر، باب غزوه النساء مع الرجال، ص ۱۹۶؛ ابو عبدالله محمد بن عمر الواقدی، المغاری، پیشین، ج ۳، ص ۹۰۲. در مغازی آمده است که این سؤال را ابوظلمه از ام سلیم پرسید و او در حالی که رسول خدا (ص) سخنانش را می‌شنید به ابوظلمه پاسخ داد. در پایان ابوظلمه به رسول خدا (ص) گفت: «ای رسول خدا (ص) آنچه را که ام سلیم می‌گوید، شنو!» ولی رسول خدا (ص) پاسخی ندادند، ابن حجر، پیشین، ج ۸، ص ۲۴۳، رقم ۱۳۱۴.

پیامبر (ص) مانع این کار او نشد، عدم ممانعت رسول خدا (ص) نشانگر تأیید ضمنی ابن کار است. البته زنان تا جایی که نیاز به شرکت مستقیم آنان در جنگ و رویارویی با دشمن نبود، از جنگیدن پرهیز می‌کردند؛ اما هرگاه احساس می‌کردند سپاه مسلمانان در برابر مشرکین اندک است و یا مسلمانان در حال شکست هستند، پا به صحنه‌ی نبرد گذاشته و به یاری رسول خدا (ص) می‌شتافتند.

واقعی نقل کرده است که در جنگ احد هنگامی که حمله‌ی مشرکان شدت گرفت و آثار شکست در سپاه مسلمانان پدید آمد، مسلمانان جز تعداد انگشت‌شماری گریختند و تنها افراد معدودی به دفاع از پیامبر (ص) پرداختند. «نسیبه بنت کعب الانصاریه» مشهور به «امّ عماره» یکی از ایشان بود. او که برای آب دادن به رزمندگان به جبهه آمده بود، مشک آب را رها کرد و سلاح به دست گرفت و به دفاع از پیامبر (ص) پرداخت. او با هر وسیله‌ی ممکن، مشرکان را دور می‌کرد، حتی نقل شده است که به مشرکان و مرکب آنها سنگ می‌انداخت. رسول خدا (ص) که ناظر این صحنه بودند، بر او تبسم کردند.^۱ «امّ عماره» در این نبرد جراحی بسیار برداشت (گویند ۱۲ یا ۱۳ جراحی پیدا کرد)، پیامبر (ص) وقتی متوجه زخم‌های او شد، از پسرش «عبدالله» خواست که زخم‌های مادر را پانسمان کند. پس از آن «امّ عماره» دوباره برخاست و به جنگیدن ادامه داد. بعدها رسول خدا (ص) از شجاعت او در حمایت از خویش چنین یاد کردند:

«ما التفت یمناً و لا شمالاً إلا و أنا أراها تقاتل دونی»

یعنی: «هرگاه به سوی راست و چپ نظر افکندم، او را دیدم که می‌جنگد»

و نیز فرمودند:

«لمقام نسیبه بنت کعب الیوم خیر من مقام فلان و فلان».^۲

۱. ابو عبدالله محمد بن عمر الواقدی، المغازی، پیشین، ج ۱، ص ۲۷۲؛ نیز نک: ابن حجر، پیشین، ج ۸، ص ۱۹۸-۱۹۹، رقم ۱۰۵۱؛ در نقل ابن حجر این جمله‌ی رسول خدا (ص) نیامده است ولی در ص ۲۶۲ رقم ۱۴۱۹ ذیل شرح حال امّ عماره این جمله بر ذکر شده است.

۲. ابو عبدالله محمد بن عمر الواقدی، همان، ص ۲۶۸ تا ۲۷۳؛ ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۴، بیروت، دارالهدی الوطی، ص ۳۷۷؛ نیز نک: ابن هشام، پیشین، ج ۳، ص ۹۱.

یعنی: «مقام نسبیہ آن روز بہتر از مقام فلاتی و فلاتی بودہ».

درمان زخم‌ها و جراحات «امّ عمارہ» یک سال بہ طول انجامید و اثر برخی از آنها تا آخر عمر بر بدن او باقی ماند.^۱ او در غزوه‌های بنی قریظہ، خیبر و حنین نیز شرکت کرد.^۲ شجاعت و دلاوری او در حنین کمتر از احد نبود، او خود نقل می‌کند:

«در حنین مردم از ہر سو می‌گریختند. من و چہار زن دیگر می‌جنگیدیم. من شمشیری برآن داشتم. «امّ سلیم» در حالی کہ عبداللہ بن ابی طلحہ را باردار بود، خنجر جری حمل می‌کرد و نیز «امّ سلیط» و «امّ الحارث» (نیز چنین می‌کردند). مردی از ہوازن را دیدم کہ پرچم جنگ را حمل می‌کند و سوار بر شتر بہ دنبال مسلمین می‌تازد. شترش را پی کردم. او بہ زمین افتاد و من بر پشتش نشستم. پی در پی او را زدم تا از پا درآمد. شمشیرش را برداشتم...»^۳

«امّ عمارہ» پس از وفات پیامبر (ص) نیز در جہاد مسلمانان شرکت کرد، چنان کہ در جنگ یمامہ بہ سختی جنگید و یک دست او قطع شد.^۴ در شرح حال «امّ حارث» انصاری در کتاب «استیعاب» آمدہ است کہ در حنین حضور داشت و «لم تنہزم یومئذ فیمن انہزم»^۵.

بہ این ترتیب گاہ شجاعت زنان در کارزار از مردان بیشتر بودہ است و ہنگامی کہ بسیاری از مردان از صحنہ می‌گریختند، زنان بہ مقاومت برمی‌خاستند. بہ نمونہ‌ی جالب دیگری اشارہ می‌کنیم

۱. ابن ہشام، پیشین، ج ۳، ص ۹۱.

۲. شمس‌الدین الذہبی، پیشین، ج ۲، ص ۲۸۱؛ عمر رضا کحالہ، پیشین، ج ۲، ص ۱۷۴ و ۱۷۵؛ ابن حجر، پیشین، ج ۸، ص ۲۶۱. رقم ۱۴۱۹.

۳. ابو عبداللہ محمد بن عمر الواقدی، المغازی، پیشین، ج ۳، ص ۹۰۳.

۴. همان، ج ۱، ص ۲۶۹؛ ابن عبدالبر، پیشین، ج ۴، ص ۱۹۴۸ و ۱۹۴۹، رقم ۴۱۹۰؛ ابن حجر، پیشین، ج ۸، ص ۱۹۹، رقم ۱۰۵۱. و نیز همان ص ۲۶۱، رقم ۱۴۱۹.

۵. ابن عبدالبر، پیشین، ج ۴، ص ۱۹۲۸، رقم ۴۱۳۳. یعنی آن روز ہمراہ فراریان نگریخت. نیز نک: ابن حجر، پیشین، ج ۸، ص ۲۲۱، رقم ۱۱۸۹.

که گرچه در صحنه‌ی کارزار اتفاق نیفتاده است، نشان رشادت و شجاعت زنی در رویارویی با دشمن است.

در جنگ خندق «صفیه بنت عبدالمطلب» عمه‌ی رسول خدا (ص) به همراه زنان و کودکان در حصنی بودند. «حسان بن ثابت» نیز در آنجا بود و گویا وظیفه‌ی نگهداری از زنان و کودکان را به عهده داشت. یهودی از بنی‌قریظه به قصد تهدید و نفوذ در حصن در اطراف آنان می‌چرخید. «صفیه» متوجه او شد و از «حسان» خواست از حصن بیرون رفته و او را از پا در آورد. اما «حسان» اظهار داشت که می‌ترسد، از این رو صفیه چوبی به دست گرفت و از حصن خارج شد و در فرصتی با استفاده از غفلت یهودی، ضربه‌ای به سر او زد و او را کشت.^۱ وقتی این قضیه برای پیامبر (ص) نقل شد، ایشان بسیار مسرور شدند و به گونه‌ای خندیدند که کمتر از ایشان دیده شده بود.^۲ گویند او اولین زن مسلمان بود که مردی از مشرکین را کشت.^۳

زنان مسلمان پس از وفات رسول خدا (ص) نیز در جنگ‌ها شرکت داشتند و در موقع لزوم، سلاح به دست گرفته و رو در رو با دشمن جنگیدند. برخی از این موارد - در صورتی که قائل به تقسیم جهاد به دو نوع ابتدایی و دفاعی باشیم - مسلماً از نوع جهاد ابتدایی خواهد بود. قطعاً همراهی زنان با سپاه مسلمانان برای تفریح نبوده است، بلکه زنان به منظور پشتیبانی رزمندگان با آنان همراه می‌شدند و در مواقعی که کارزار بر مسلمانان سخت می‌شد، حتی به مبارزه رودررو با دشمن می‌پرداختند. به نمونه‌های ذیل توجه کنید:

در جنگ‌هایی که برای فتح سرزمین شام صورت گرفت، در بسیاری از موارد، کار بر مسلمانان سخت می‌شد. در این هنگام زنان نیز همراه مردان با رومی‌ها می‌جنگیدند. از جمله آن که در

۱. ابن هشام، پیشین، ج ۳، ص ۲۵۲؛ ابو عبدالله محمد بن عمر الواقدی، المغازی، پیشین، ج ۲، ص ۴۶۲ و ۴۶۳؛ ابن سعد، پیشین، ج ۸، ص ۴۱.

گویا مشابه این موضوع در جنگ احد نیز اتفاق افتاده است. نک: محمد بن عمر الواقدی، همان، ج ۱، ص ۲۸۸.

۲. ابن سعد، همان؛ ابن الاثیر، الکامل فی التاریخ، پیشین، ج ۱، ص ۵۷۱؛ ابن حجر، پیشین، ج ۸، ص ۱۲۸، رقم ۶۵۱

۳. ابن حجر، همان؛ عبدالکریم زیدان، پیشین، ج ۴، ص ۳۸۴ به نقل از ابن قیم، زاد المعاد، ج ۴، ص ۱۲۴.

جنگ با سپاه «بطروس» فرمانده سپاه روم، «خوله بنت الأزور» پنج رومی و «عفراء بنت غفار الحمیریه» چهار تن را کشتند.^۱
در یرموک نیز زنان شرکت فعال داشتند. ابن کثیر از مبارزه مردان و زنان مسلمان در این جنگ چنین یاد می‌کند:

«فقاتلوا قتالا شديداً، حتى قاتلت النساء من وراءهم اشد القتال»^۲

همچنین در «فتوح الشام» آمده است زنان - تا حد مرگ - می‌جنگیدند.^۳ در این جنگ زنان از یک سو مسلمانان فراری را با چوپ و سنگ می‌زدند و با سخنان خود به بازگشت به صحنه‌ی نبرد تشویق می‌کردند^۴، و از سوی دیگر خود آنان نیز در مبارزه شرکت می‌کردند.^۵ «اسماء بنت یزید بن السکن» از جمله زنانی است که در این نبرد شرکت داشت، و نه رومی را با چوب خیمه کشت.^۶ «ام حکیم بنت الحارث المخزومیه» به همراه همسرش «عکرمه بن ابی جهل» در یرموک شرکت داشت و جنگید. او در نبرد «مرج الصفر» هم شرکت کرد و هفت تن از رومیان را کشت.^۷ تاریخ‌نگاران در فتح «بهنساء» که پس از یرموک رخ داد، از زنانی یاد کرده‌اند که مبادرت به مبارزه رودررو با رومی‌ها کردند.^۱

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تالیفات مجله علوم انسانی

۱. ابو عبدالله محمد بن عمر الواقدی، فتوح الشام، پیشین، ج ۱، ص ۵۴.
۲. اسماعیل بن کثیر الدمشقی، البدایه و النهایه فی التاریخ، ج ۷، تحقیق، احمد ابو ملحم و...، بیروت، دارالکتب العلمیه، بی تا، ص ۵.
۳. ابو عبدالله محمد بن عمر الواقدی، فتوح الشام، پیشین، ج ۱، ص ۲۱۷، واقدی این وصف را برای جنگ زنان با سپاه بطروس نیز به کار برده است. همان، ص ۵۴.
۴. همان، ص ۲۰۲ و ۲۰۳.
۵. همان، ص ۲۱۷ و ۲۱۸. واقدی به رشادتهای خوله بنت الأزور، ام حکیم، سلمی بت لوی و اسماء بنت ابی بکر اشاره کرده است، نیز نگاه کنید به: ابن الاثیر، الکامل فی التاریخ، پیشین، ج ۲، ص ۷۲.
۶. اسماعیل بن کثیر، پیشین، ج ۷، ص ۲۰۳؛ ابن حجر، پیشین، ج ۸، ص ۱۲ و ۱۳، ص ۵۸. ابن حجر، پیشین، ج ۸، ص ۱۲ و ۱۳، ص ۵۸.
۷. ابن عبدالبر، پیشین، ج ۴، ص ۱۹۳۲، رقم ۴۱۴۲؛ ابن حجر، پیشین، ج ۸، ص ۲۲۵، رقم ۱۲۲۱.

در واقعه‌ی «اجنادین»، «خوله بنت الأزور» برای نجات برادرش که اسیر رومی‌ها شده بود، لباس رزمندگان را پوشید و به دشمن حمله کرد. او به گونه‌ای این کار را انجام داد که مسلمان‌ها گمان کردند «خالد بن ولید» است.^۱ او یک بار دیگر نیز به همراه مردانی از سپاه مسلمین، برادر خود را از اسارت نجات داد.^۲

۴- نگهبانی

در صورت لزوم زنان به نگهبانی و حراست از سپاه مسلمانان می‌پرداختند. واقدی در شرح فتح «بهنساء» آورده است که خواب، سپاه مسلمانان را فرا گرفت و همه از خستگی به خواب عمیق فرو رفتند. به همین سبب «ابو عبیده بن الجراح» فرماندهی سپاه، به تنهایی نگهبانی می‌داد. ولی هنگامی که قدم می‌زد به «أسماء بنت ابی بکر» برخورد که همراه همسرش «زبیر» در اطراف سپاه قدم می‌زد و نگهبانی می‌کرد. زبیر به او گفت که این کار را به پیشنهاد اسماء انجام داده است.^۳

۵- مدیریت و فرماندهی

ایفای نقش فرمانده، جلوه‌ی دیگری از حضور نظامی زنان مسلمان در تاریخ سده‌ی نخست اسلام است. به نمونه‌ی زیر توجه کنید:

در جنگ جمل وقتی عایشه و یاران او شکست خوردند، حضرت علی (ع) مخفیانه به چهل زن از زنانی که در نبرد جمل حضور داشتند، دستور داد تا لباس مردان را بپوشند و با هیأت نظامی عایشه را تا مدینه همراهی و از او محافظت کنند. عایشه گمان می‌کرد که حضرت علی (ع) حرمت او را شکسته و مردان نامحرم را برای محافظت، با او همراه کرده است. اما در پایان سفر متوجهی

۱. نسیه الانصاریه، ام ابان بنت عتب، نعمانه ابه المنذر، اسماء بنت ابی بکر و... (فتوح الشام، ج ۲، ص ۳۰۰) و همچنین عفره بنت عفار، سلمی بنت زاهر (همان، ص ۲۴۷) و خوله بنت الأزور (همان، ص ۲۴۰) از جمله زنانی هستند که تاریخ‌نگاران به مشارکت ایشان در این جنگ تصریح کرده‌اند.

۲. ابو عبدالله محمد بن عمر الواقدی، فتوح الشام، پیشین، ج ۱، ص ۴۵ و ۴۶.

۳. همان، ج ۲، ص ۲۲۲.

۴. ابو عبدالله محمد بن عمر الواقدی، همان، ج ۱، ص ۲۲۰ و ۲۲۱.

سیاست علی (ع) در این باره شد.^۱ بی‌شک با توجه به حساسیت موضوع، این گروه چهل نفره از فنون نظامی آگاه بوده‌اند، زیرا امکان داشت که فراریان جنگ جمل دوباره به عایشه بپیوندند و آشوبی دیگر به پا کنند. از این رو به یقین این گروه باید با فنون نظامی آشنا بوده باشند تا در صورت لزوم بتوانند مبارزه کنند. از سوی دیگر از آنجا که نمی‌توان هیچ گروه نظامی را بدون فرمانده به کاری گمارد، به احتمال قوی این گروه نیز فرماندهی داشته است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که در صورت لزوم زنان مسلمان حتی فرماندهی نظامی حداقل گروهی از زنان را نیز عهده‌دار بودند و این مسئله از نظر امام معصوم (ع) کاری مباح - اگر نگوئیم واجب - بوده است.

نتیجه‌گیری

شواهد تاریخی ارائه شده، حضور نظامی زنان را در جهاد اسلامی نشان داد. گرچه این حضور بیشتر به صورت پشتیبانی و تدارکات جنگی دیده می‌شود، اما به خوبی نشانگر این مسئله است که پیامبر (ص) و علی (ع) حضور زنان را در جهاد تأیید می‌کردند و این کار را مباح می‌شمردند، زیرا این شواهد یا با فعل معصوم (ع) یا با تقریر ایشان تأیید شده‌اند. مسلمانان نیز این حضور را غیر شرعی تلقی نمی‌کردند، به همین دلیل، در فتوحات اسلامی که خصوصاً پس از وفات پیامبر (ص) صورت گرفت و جهاد ابتدایی شمرده می‌شوند،^۲ زنان حضور داشتند.

البته بدیهی است که حضور زنان بسیار کمتر از مردان بوده است، زیرا حضور در صحنه‌های نبرد، مستلزم داشتن توان جسمی مناسب است، در حالی که به طور عموم زنان قدرت جسمی کمتری نسبت به مردان دارند، به همین سبب است که وقتی جهاد، واجب کفائی است^۳ و افراد با توانایی جسمی مناسب‌تر، داوطلب انجام وظیفه هستند، نوبت به گزینش افراد با توانایی جسمی

۱. شیخ مفید، الجمل، به همت سید علی میرشریفی، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، بی‌تا، ص ۴۱۵؛ ابو عبدالله محمد بن ابی الأنصاری القرطبی، الجامع لأحكام القرآن، ج ۱۴، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ ق/ ۱۹۸۵ م، ص ۱۸۲ قرطبی این گروه را ۳۰ نفر دانسته است.

۲. البته اگر نپذیریم که جهاد ابتدایی نیز در واقع نوعی جهاد دفاعی برای دفاع از حقوق فطری ملت‌های تحت ستم است.

۳. جهاد ابتدایی، واجب کفائی است.

کمتر نخواهد رسید. شاید به همین دلیل است که در مواردی رسول خدا (ص) به زنی اجازه‌ی همراهی با سپاه مسلمانان را نداده است. به روایت زیر توجه کنید:

طبرانی از «امّ کبشه» نقل می‌کند که از رسول خدا (ص) درخواست نمود تا سپاه مسلمانان را همراهی کند، ولی رسول به او اجازه نداد. او سبب درخواست خود را علاقه به مداوای مجروحان و مریضان و آب‌رسانی به ایشان اعلام کرد و رسول خدا (ص) فرمود:

«لولا أن تكون سنه، و يقال: فلانه خرجت، لأذنت لك، و لكن اجلسي.»^۱

متن روایت نشان می‌دهد که رسول خدا (ص) اصل حضور زنان را مباح می‌شمردند، زیرا فرمودند: «[لولا]... لأذنت لك».

همان‌طور که پیش از این اشاره شد، نباید این حضور با انجام واجبات مربوط به زنان در تضاد باشد و یا مفسده‌ای به دنبال داشته باشد، لذا آن حضرت به صورت موردی اجازه‌ی حضور زنان در صحنه‌های نبرد را صادر می‌نمودند، و اگر در مواردی ایشان به زنی اجازه‌ی همراهی با سپاه مسلمانان را نداده‌اند، ناظر به همان زن خاص و به لحاظ موقعیت‌های ویژه‌ی او بوده است، همان‌طور که برخی مردان نیز با اجازه‌ی آن حضرت از حضور در میدان مبارزه معاف می‌شدند، به علاوه شرکت در جهاد ابتدایی، واجب کفایی است. ممکن است درخواست این زن به دلیل آن که افراد واجد شرایط و مورد نیاز به اندازه‌ی کافی داوطلب بودند، مورد پذیرش قرار نگرفته است. این نکته نیز حائز اهمیت است که زنان آسیب‌پذیرتر از مردان هستند و اگر به اسارت دشمن در آیند، ناموس مسلمانان در معرض خطر قرار خواهد گرفت، پس صلاح نبود که تعداد ایشان در جبهه‌ها زیاد باشد.

۱. ابن حجر، پیشین، ج ۸، ص ۲۷۰، رقم ۱۴۵۵.

این حجر با توجه به روایات دیگری که خود در مورد اجازه‌ی رسول خدا (ص) به زنان برای همراهی با سپاه مسلمانان و ناری رساندن به رزمندگان نقل کرده است، درصدد جمع این روایات است و می‌نویسد: و يمكن الجمع بين هذا و بين ما تقدم في ترجمه امّ سنان الاسلاميه أن هذا ناسخ لذلك، لأن ذلك كان بخير و قد وقع قبله بأحد كما في الصحيح من حديث البراء بن عارب، و هذا كان بعد الفتح.

به همین دلایل است^۱ که برخی از فقها ضمن مباح شمردن حضور زنان در جهاد ابتدایی، تصریح کرده‌اند که این کار برای زنان «کبیر» اشکال ندارد و زنان جوان را از این کار بازداشته‌اند،^۲ در حالی که رسول خدا (ص) به «امیه بنت قیس بن اُبی صلت» اجازه داد به همراه زنانی از بنی‌غفار برای کمک‌رسانی در خیبر، سپاه مسلمانان را همراهی کنند. نقل شده است که «امیه» بر شتر رسول خدا (ص) سوار بود و در راه برای اولین بار حیض شد.^۳

بنابراین لزومی ندارد که نظر ابن حجر را بپذیریم و اجازه ندادن رسول خدا (ص) به «ام کبشه» را ناسخ موارد دیگری بدانیم که ایشان اجازه حضور نظامی زنان مسلمان را صادر نموده بودند،^۴ بلکه می‌توان گفت که از آنجا که جهاد وجوب کفائی است، در صورتی که نیاز به حضور زنان در صحنه‌ی نبرد باشد، پیامبر (ص) (و سپس جانشینان ایشان) می‌توانند به زنان داوطلب واجد شرایط، اجازه‌ی شرکت در جهاد را بدهند.

تا به حال از زنان مسلمانی که سپاه جهاد کنندگان را همراهی و یاری می‌کردند و حتی در صورت لزوم با کافران و مشرکان رودررو می‌جنگیدند، سخن گفته شد. در اینجا به طرح دو سؤال فرعی می‌پردازیم:

۱- زنان در چه محلی از سپاه استقرار داده می‌شدند؟

۲- بهره و سهم زنان از غنائم جنگی چه بود؟

پاسخ سؤال اول: بنا به آنچه که در متون تاریخی آمده است، زنان در ساق سپاه قرار داشتند و بخش «الساقه»ی سپاه حول حریم زنان و کودکان قرار داشت تا آنان در محیطی دور از دسترسی مهاجمان قرار گیرند و به اسارت در نیایند.^۵

۱. دلیل عدم ترتب مفسده، حفظ ناموس مسلمانان و ...

۲. ابو محمد عبدالله بن احمد بن قدامه المقدسی، المغنی، ج ۷، بی‌حا، المنار، ۱۳۶۷ ق، ص ۳۶۶ و ۳۶۷.

۳. ابو عبدالله محمد بن عمر الواقدی، المغازی، پیشین، ج ۲، ص ۶۸۵؛ این مطلب در کتاب‌های دیگر نیز آمده است: ابن حجر، پیشین، ج ۸، ص ۲۰، رقم ۱۱۰؛ ابن سعد، پیشین، ج ۸، ص ۲۹۳.

۴. ابن حجر، همان، ص ۲۷۰، رقم ۱۴۵۵.

۵. ابو عبدالله محمد بن عمر الواقدی، فتوح الشام، پیشین، ج ۱، ص ۵۷ و ح ۲، ص ۲۸۰ و ۲۴۱ هر سپاهی شامل مینه میره، قلب و دو جناح (ایسر و ساقه) بود.

پاسخ سؤال دوم: فقها تصریح نموده‌اند که به زنان، سهمی همانند مردان از غنیمت تعلق نمی‌گرفت، بلکه پیامبر (ص) به زنان هدیه‌ای از غنائم می‌پرداختند.^۱ شیخ طوسی در این مسئله ادعای اجماع نموده است و گوید تنها اوزاعی معتقد است که زنان نیز از غنیمت سهم می‌بردند.^۲ در این مسئله، زنان هم ردیف بردگان و کافران قرار داده شده‌اند.^۳

برخی از متون تاریخی این مسأله را تأیید می‌کنند. از جمله واقدی تصریح کرده است زنان در جنگ با بنی قریظه بهره‌ای از غنائم بردند، اما سهم آنان به اندازه‌ی مردان نبود.^۴ ولی هم او در نقلی دیگر آورده است که به زنان شرکت کننده در جنگ خبیر، سهم داده شد.^۵ کتاب‌های شرح حال نگاری نیز ذیل شرح حال برخی از زنان صحابی از جمله «امّ ضحاک بنت مسعود»،^۶ «کعبیه بنت سعد الاسلامیه»^۷ به این مسأله اشاره کرده‌اند.

البته در مغازی نقل‌های مکرری نیز وجود دارد که دلالت بر آن دارد که زنان و کودکان در خبیر تنها بهره‌ای از غنائم بردند.^۸

۱. محمد بن الحسن الطوسی، المبسوط، پیشین، ج ۳۱، ص ۱۴۲؛ والخلاف، پیشین، ج ۳۱، ص ۳۶، مسئله‌ی ۲۱؛ محمد بن جمال الدین المکی العاملی، الدروس الشرعیة، پیشین، ج ۳۱، ص ۲۲۶؛ المحقق الحلی، شرائع الاسلام، پیشین، ج ۹، ص ۲۱۰؛ العلامة الحلی، قواعد الاحکام، پیشین، ج ۹، ص ۲۵۳.

۲. محمد بن الحسن الطوسی، الخلاف، همان.

۳. طوسی در این باره می‌نویسد:

«ثم یرضع من اصل الغنیمه لأهل الرضخ، و هم ثلاثه: العیید و الکفار و النساء، لأن هولاء لا سهم لهم، فانما الصبیان فلهم سهم مثل الرجال، و الرضخ أن یعطى الامام کل واحد منهم ما یراه من المصلحه فی الحال.»

المبسوط، پیشین، ج ۳۱، ص ۱۴۲؛ نیز نک: الخلاف، همان، ص ۳۶؛ محمد بن جمال الدین المکی العاملی، الدروس الشرعیة، پیشین، ج ۳۱، ص ۲۲۶.

۴. ابو عبدالله محمد بن عمر الواقدی، المغازی، پیشین، ج ۲، ص ۵۲۲.

۵. همان، ص ۶۸۷.

۶. ابن عبدالبر، پیشین، ج ۴، ص ۱۹۴۴، رقم ۴۱۷۲؛ ابن حجر، پیشین، ج ۸، ص ۲۵۱، رقم ۱۳۵۲.

۷. همان، ص ۱۹۰۷، رقم ۴۰۷۹؛ ابن حجر، همان، ص ۱۷۶، رقم ۹۲۴.

۸. محمد بن عمر الواقدی، المغازی، پیشین، ج ۲، ص ۶۸۵ تا ۶۸۸.

سیره نویسان تصریح کرده‌اند سهم هر یک از جهادکنندگان در جنگ با بنی‌قریظه به نسبت میزان فعالیت او در جهاد تعیین شد، چنان‌که به جهادکنندگانی که اسب داشتند، سه سهم و به آنان که پیاده بودند، یک سهم داده شد.^۱

فقه‌های شیعه نیز به تفاوت سهم جنگجویان تصریح کرده‌اند و سهم رزمنده‌ای را که یک اسب داشت، دو برابر سهم رزمنده‌ای دانسته‌اند که پیاده بود.^۲

طبیعی است که اگر زنان نسبت به مردان فعالیت کمتری داشته باشند و یا فعالیت آنان از اهمیت کمتری برخوردار باشد، باید بهره‌ی کمتری از غنائم ببرند. اما چنان‌که نقل شد در برخی نمونه‌های تاریخی تصریح شده است که برخی از زنان با وجود فرار برخی از مردان، صحنه‌ی جنگ را ترک نکردند و از رسول خدا (ص) حمایت کردند. آیا با این وجود پیامبر (ص) بهره‌ی آنان را از غنائم کمتر از مردان در نظر می‌گرفتند و با هدیه‌ای آنان را راضی می‌کردند، در حالی که حتی به کودکانی که بعد از فتح و قبل از تقسیم غنیمت، متولد شدند، سهمی همانند مردان داده می‌شد؟^۳

این سؤالی است که پاسخ به آن با بررسی دقیق متون روایی و تاریخی و نیز ژرف‌نگری در ادله‌ی مورد استناد فقیهان میسر است و البته پرداختن به این امر، نیازمند پژوهشی جداگانه است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. ابن هشام، پیشین، ج ۳، ص ۲۶۹؛ محمد بن عمر الواقدی، همان، ص ۵۲۱ و ۵۲۲.
۲. محمد بن الحسن بن علی الطوسی، الجمل و العقود، پیشین، ج ۹، ص ۶۲؛ العلامة الحلّی، قواعد الاحکام، پیشین، ج ۹، ص ۲۷۴؛ الشهيد الاول، اللمعه الدمشقیه، پیشین، ج ۹، ص ۲۷۴؛ یحیی بن الحسن بن سعید الهذلی، پیشین، ج ۹، ص ۲۳۷؛ المحقق الحلّی، شراعی الاسلام، پیشین، ج ۹، ص ۲۱۰؛ المحقق الحلّی، المختصر النافع، پیشین، ج ۹، ص ۲۳۷. محقق حلّی به نظر دیگری اشاره کرده است. بنا به این نظر به رزمنده‌ی سواره سه سهم و به پیاده یک سهم داده می‌شود، ولی نظر اول را صحیح‌تر می‌داند.
۳. الشهيد الاول، همان؛ المحقق الحلّی، همان.

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه، ترجمه‌ی فیض الاسلام.

ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۴، بیروت، دارالهدی الوطنیه، بی تا.
ابن اثیر، عزالدین ابوالحسن علی بن ابی‌الکرم، الكامل فی التاریخ، ج ۱، ۲، ۳، تحقیق: مکتب التراث، ط ۴، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۴ ق / ۱۹۹۴ م.
ابن البراج الطرابلسی، عبدالعزیزالمهذب، چاپ شده در مجموعه: سلسله الینایع الفقہیہ، ج ۹، گردآوری: علی اصغر مروارید، ط ۱، بیروت، موسسه فقه الشیعہ - الدار الاسلامیہ، ۱۴۱۰ ق / ۱۹۳۰ م.

ابن الحجاج، مسلم. الجامع الصحیح، ج ۵، بیروت، دارالمعرفه، بی تا.
ابن الحجر العسقلانی، الاصابه فی تمیز الصحابه، ج ۸، بیروت، دارالکتب العلمیه، بی تا.
ابن سعد، محمد. الطبقات الکبری، ج ۸، بیروت، دار صادر، ۱۳۸۸ ق / ۱۹۸۶ م.
ابن عبدالبر، ابو عمر یوسف بن عبدالله بن محمد، الاستیعاب فی معرفه الأصحاب، ج ۴، تحقیق: علی محمد البجاوی، بیروت، دارالجلیل، ۱۴۱۲ ق / ۱۹۹۲ م.
ابن عبد ربّه الاندلسی، احمد بن محمد، العقد الفرید، ج ۱، تحقیق: مفید محمد قمیحه، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۴ ق.

ابن قدامه، ابو محمد عبدالله بن احمد بن قدامه المقدسی، المغنی، ج ۷، بی جا، المنار، ۱۳۶۷ ق.
ابن کثیر الدمشقی، اسماعیل، البدایه و النهایه فی التاریخ، ج ۷، تحقیق: احمد ابو ملحم و...، بیروت، دارالکتب العلمیه، بی تا.

ابن هشام، عبدالملک، السیره النبویه، ج ۳ و ۴، تحقیق: مصطفی السقا و ابراهیم الأیاری و عبدالحفیظ شلیبی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۵ ق / ۱۹۹۵ م.
الامین، السید محسن. أعیان الشیعہ، ج ۳، ۶ و ۷، حقه و اخرجه و استدرک علیه: السید حسن الامین، بیروت، دارالتعاریف للمطبوعات، ۱۴۰۶ ق / ۱۹۸۶ م.

بخاری، محمد بن اسماعیل، الجامع الصحيح، ج ۲ و ۳، شرح: محبّ الدين الخطيب، بيروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.

بیرو، آلن. فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه: باقر ساروخانی، ج ۱، تهران، انتشارات کیهان، زمستان ۶۶.

حرّ العاملی، محمد بن الحسن بن الحرّ، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، ج ۱۵، ط ۱، بیروت، موسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۱۳ ق / ۱۹۹۳ م.

حلّی، ابو منصور محمد بن ادریس محمد (العجلی)، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، چاپ شده در مجموعه: سلسله الینابیع الفقهیه، ج ۹، همان.

ذهبی، شمس الدین، سیر اعلام النبلاء، ج ۲، ط ۴، بیروت، موسسه الرساله، ۱۴۰۶ ق / ۱۹۸۶ م.

راوندی، سعید بن عبدالله، فقه القرآن، در مجموعه: سلسله الینابیع الفقهیه، ج ۹، همان.

زرکلی، خیرالدین. الأعلام، ج ۳، ط ۸، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۹۸۹ م.

زیدان، عبدالکریم. المفصل فی احکام المرأه و البيت المسلم فی الشریعه الاسلامیه، ج ۴، ط ۲، بیروت، موسسه الرساله، ۱۴۱۷ ق / ۱۹۹۷ م.

شمس الدین، محمد مهدی. مسائل حرجه فی فقه المرأه، ج ۱ و ۲، ط ۱، بیروت، الموسسه الدولیه للدراسات و النشر / مؤسسه المنار، ۱۹۹۶ م.

طوسی، ابو جعفر محمد بن الحسن بن علی، النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی، در مجموعه: سلسله الینابیع الفقهیه، ج ۹، همان.

قرطبی، ابو عبدالله محمد بن احمد، الجامع لأحكام القرآن، ج ۱۴، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ ق / ۱۹۸۵ م.

کحاله، عمر رضا. أعلام النساء، ج ۱ تا ۴، ط ۹، بیروت: موسسه الرساله، ۱۹۸۲ م.

متقی الهندی، علاء الدین المتقی بن حسام الدین المدني، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، ج ۴، تصحیح: الشیخ صفوه السقا، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۹ ق / ۱۹۸۹ م.

محقق الحلّی، ابوالقاسم نجم الدین جعفر بن الحسن بن زکریا...، شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، در مجموعه: سلسله الینابیع الفقهیه، ج ۹، همان.

مروارید، علی اصغر (گردآورنده). سلسله الینایع الفقهیه، بیروت: موسسه فقه الشبعه، ۱۴۱۳ ق / ۱۹۳۰ م.

مفید، ابو عبدالله محمد بن محمد بن النعمان الجمل. به همت سید علی میر شریفی، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، بی تا.

مکی العاملی (الشهید الاول)، محمد بن جمال الدین، الدروس الشرعیه، در مجموعه: سلسله الینایع الفقهیه، ج ۳۱، همان.

منتظری، حسینعلی. دراسات فی ولایه الفقیه و فقه الدوله الاسلامیه، ج ۱، ط ۲، قم، المرکز العالمی للدراسات الاسلامیه، ۱۴۰۹ ق.

واقدی، ابو عبدالله محمد بن عمر بن واقد، المغازی، ج ۱ تا ۳، تحقیق: مارسدن جونسن، ط ۲، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۹ ق / ۱۹۸۹ م.

هدلی، ابو زکریا یحیی بن احمد بن یحیی. الجامع للشرائع، در مجموعه: سلسله الینایع الفقهیه، ج ۹، همان.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی